

مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران / دوره ۴، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴: ۶۶۳-۶۸۴

رابطه سرمایه اجتماعی و رضایتمندی از مهاجرت در شهرستان بهارستان

حسین محمودیان^۱

سعید مقدس^۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۸/۰۹

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۱/۲۵

چکیده

مهاجرت یکی از عوامل مهم در توسعه منطقه‌ای و مورد توجه سیاستگذاران است. این پدیده کارکردهای مختلفی دارد. میزان رضایت یا نارضایتی از فرایند مهاجرت ممکن است نشانه‌ای از کارکرد مثبت یا منفی آن برای مهاجران باشد. هدف این پژوهش، بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و رضایتمندی از مهاجرت در میان مهاجران ۱۸ سال به بالا در شهرستان بهارستان است. این پژوهش با استفاده از نظریه تحلیل شبکه انجام شده است. پژوهش، پیمایشی است و با ابزار پرسشنامه صورت گرفته است. جامعه آماری مورد مطالعه، شامل مهاجران ۱۸ سال به بالا در شهرستان بهارستان، از توابع استان تهران است. براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سازمان آمار در سال ۱۳۹۰، تعداد ۷۲،۰۳۹ مهاجر وارد شهرستان بهارستان شده‌اند. از این تعداد، ۳۲۵ نفر به شیوه تصادفی سیستماتیک برای مطالعه انتخاب شدند. نتایج ضریب همبستگی نشان می‌دهد رضایتمندی از مهاجرت، با متغیرهای اعتماد، اعتماد نهادی، مشارکت رسمی، مشارکت غیررسمی همیارانه، مشارکت غیررسمی خیریه‌ای و مشارکت غیررسمی مذهبی، رابطه معنادار دارد. همچنین براساس نتایج، رابطه بین دو سازه سرمایه اجتماعی و رضایتمندی از مهاجرت در سطح بالایی معنادار است و هر اندازه افراد در ساختار اجتماعی جدید دارای سرمایه اجتماعی بالاتری باشند، رضایتمندی از مهاجرت افزایش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: بهارستان، رضایتمندی، سرمایه اجتماعی، شبکه اجتماعی، مهاجرت.

۱. دانشیار گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). hmahmoud@ut.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

saeed.moghadas@ut.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

مهاجرت پدیده‌ای اجتماعی- اقتصادی است که از مجموعه پیچیده‌ای از عوامل اجتماعی، جمعیت‌شناختی، روان‌شناختی، اقتصادی و سیاسی حاصل می‌شود. این فرایند، نه تنها بر حجم و رشد جمعیت یک جامعه تأثیر می‌گذارد، بلکه تغییرات قابل‌ملاحظه‌ای در ساخت و توزیع جمعیت ایجاد می‌کند. مهاجرت، شکلی از تحرک جغرافیایی یا مکانی جمعیت است که بین دو واحد جغرافیایی انجام می‌گیرد (امانی و همکاران، ۱۳۵۴: ۷۱). این تحرک، به تغییر محل اقامت فرد از مبدأ به مقصد می‌انجامد. به نظر گروهی از صاحب‌نظران، مهاجرت نوعی انتخاب است (گئورگ^۱، ۱۹۹۶). علل و انگیزه‌های این انتخاب، هرچه باشد، نتیجه ملموس آن، نارضایتی از زندگی در مبدأ است. مهاجران تصور می‌کنند در مقصد بهتر به خواسته‌هایشان دست می‌یابند. رضایت مهاجران در مقصد نیز به دلیل تصور دستیابی به خواسته‌های والاتر در آینده، سبب تداوم اقامت در آنجا می‌شود (عظیمی، ۱۳۳۶).

همین‌که تعداد شایان‌توجهی از مهاجران در مقصد اقامت می‌گزینند، مهاجرت ساختارهای اجتماعی خاصی را برای حفظ روند به وجود می‌آورد و جریان مهاجرت استمرار می‌یابد (کاستلز و میلز^۲، ۲۰۰۹). جامعه‌شناسان تأکید دارند سرمایه اجتماعی در قالب شبکه‌های اجتماعی، تأثیری قوی بر اندازه هزینه مهاجرت دارد (مکینز و راپ‌پرت^۳، ۲۰۰۷). به‌طورکلی، مهاجران ترجیح می‌دهند مناطقی را برای مهاجرت انتخاب کنند که به زبان آن مسلط باشند و نزدیکی بیشتری به فرهنگ آنجا داشته باشند.

امروزه در جامعه ما، مهاجرت و ابعاد گسترده آن در میان اقشار گوناگون به مسئله اجتماعی پیچیده‌ای تبدیل شده است. تاکنون محققان بی‌شماری، مهاجرت را در حوزه‌های مختلف بررسی کرده‌اند، اما به میزان و نحوه تعامل کنشگران اجتماعی در قالب سرمایه اجتماعی کمتر توجه شده است. همچنین امروزه، پرداختن به مسائل و معضلات شهری و پدیده مهاجرت- که روزه‌روز مسائل و مشکلات شهری را پیچیده‌تر می‌سازد- حائز اهمیت است. آنچه ضرورت انجام این پژوهش را دوچندان می‌کند، شناخت دلایل مهاجرت و عوامل تأثیرگذار در انطباق مهاجران با شرایط جدید است. به‌ویژه در بررسی رضایتمندی از مهاجرت، نقش سرمایه

1. George
2. Castells and mills
3. Mackenzie and Rapprt

اجتماعی مهاجران در شبکه‌های رسمی و غیررسمی، ضروری به نظر می‌رسد. براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سازمان آمار در سال ۱۳۹۰، مهاجرت‌های شهر به شهر، ۶۵ درصد از مهاجرت‌ها را تشکیل داده‌اند. ۱۳ درصد از مهاجرت‌ها از روستا به شهر، ۷ درصد از روستا به روستا و ۱۵ درصد از شهر به روستا بوده‌اند. برای استان تهران نیز چنین روندی وجود دارد و ۸۲ درصد از مهاجرت‌ها شهر به شهر است. پس چنین روندی، مطالعه وضعیت مهاجران را می‌طلبد. بهارستان نیز به‌عنوان یکی از شهرستان‌های استان تهران - که با توجه به داده‌های سازمان آمار، ۷۲،۰۳۹ نفر از جمعیت ۵۲۳،۶۳۶ نفری آن را مهاجران تشکیل داده‌اند - از این نیاز روزافزون مستثنا نیست.

هدف کلی این پژوهش، بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و رضایتمندی از مهاجرت است؛ علاوه‌براین، بررسی میزان رضایتمندی از مهاجرت، مطالعه میزان سرمایه اجتماعی و تعیین مؤثرترین عامل در رضایتمندی از مهاجرت، از اهداف این پژوهش به‌شمار می‌روند.

مبانی نظری

بنیان‌های نظری زیادی از سطح کلان تحلیل مانند نظریه جاذبه و دافعه^۱ و نظریه انتخاب عقلانی^۲ وجود دارد که هدف آن‌ها تبیین دلیل مهاجرت است. مسی^۳ (۱۹۹۰) و مسی و همکاران (۱۹۹۳) نظریه‌ها را به‌طور جامع مرور کرده‌اند که شروع مهاجرت را در کشورهای توسعه‌یافته مانند کشورهای درحال توسعه تبیین می‌کنند. این نظریه‌ها در سه سطح کلان، میانی و خرد طبقه‌بندی شده‌اند. در سطح کلان، نظریه‌های اقتصاد کلان نئوکلاسیک، نظریه بازار کار دوگانه، سیستمی جهانی، نهادی و سیستمی مهاجرت جای می‌گیرند. نظریه‌های شبکه مهاجر و علیت تراکمی در سطح میانی طبقه‌بندی می‌شوند. تبیین‌های سطح خرد فرایند مهاجرت، نظریه‌های اقتصاد خرد نئوکلاسیک، اقتصاد جدید مهاجرت و انتظار ارزش‌ها را شامل می‌شود. در مطالعات جامعه‌شناسی مهاجرت، آخرین تأکید بر نظریه شبکه اجتماعی است. در این مطالعات، نقش تسهیل‌کننده شبکه‌های مهاجر در مهاجرت افراد، به‌طور ویژه‌ای برجسته شده است. بسیاری از محققان از جمله لی و همکاران (۲۰۰۴)، مورای^۴ (۲۰۰۰) و چوی^۵ (۱۹۹۷) بر

1. Pull – Push theory
2. Rational choice theory
3. Meessy
4. Mori
5. Choi

این باورند که مهاجرت افراد از یک محیط جغرافیایی به محیط دیگر، گاهی به مشکلات و نارضایتی مهاجران از مهاجرت منجر می‌شود. لین و یو یی^۱ (۱۹۹۷) در روند مهاجرت بر فشارهای مالی، سیستم حمایت اجتماعی و مشکلات سازگاری با محیط تأکید می‌کنند.

سرمایه اجتماعی، یکی از مفاهیمی است که در سال‌های اخیر در مباحث توسعه بسیار مطرح شده است و توجه به نقش آن در رضایتمندی مهاجران مورد توجه صاحب‌نظران بوده است (لهسائی‌زاده و مرادی، ۱۳۸۶؛ اونق، ۱۳۸۴؛ جعفری‌نیا و بذرافشان، ۱۳۹۰؛ لاس^۲ و همکاران، ۲۰۰۹؛ اسلی^۳، ۲۰۰۳). کاپلان و لینچ سرمایه اجتماعی را نوعی انباشت سرمایه^۴ و شبکه‌هایی معرفی کرده‌اند که همبستگی اجتماعی، تعهد اجتماعی^۵ و در نتیجه نوعی عزت نفس و رضایتمندی را در افراد به وجود می‌آورد (کاپلان و لینچ، ۱۹۹۷: ۲۹۸). پاتنام (۱۹۵۴: ۱۳) سرمایه اجتماعی را در اجزایی مانند شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد می‌داند. گرانووتر بر شبکه‌ها و پیوندهای اجتماعی تأکید دارد که سطح دسترسی افراد را به منابع اقتصادی و اجتماعی ارتقا می‌دهند (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۸). فوکویاما سرمایه اجتماعی را مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی اعضای گروهی می‌داند که تعاون و همکاری‌شان مجاز است و در آن سهم و ذی‌نفع هستند (همان: ۹). او مانند پاتنام، هنجارهای همیاری را شالوده سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند و می‌نویسد: «فرض بر این است که سرمایه اجتماعی، وجود هنجارهای رفتاری مبتنی بر تشریک مساعی را منعکس می‌کند». هنجارها و ارزش‌هایی که در این تعریف جای می‌گیرند، از هنجارهای ساده مشترک بین دو دوست تا نظام‌های ارزشی پیچیده که مذاهب سازمان‌یافته ایجاد کرده‌اند، ادامه می‌یابند (همان: ۷۰). از سوی دیگر، شبکه با سازمان مبتنی بر سلسله‌مراتب متفاوت است؛ زیرا شبکه براساس هنجارهای غیررسمی مشترک است و نه ارتباط مبتنی بر اقتدار رسمی (همان: ۷۱).

در زمینه شناسایی ریشه‌های مهاجرت و در نتیجه رضایت و نارضایتی از آن چندین عامل را می‌توان برشمرد. عوامل سنتی جاذبه و دافعه، از جمله تفاوت دستمزدها و شرایط استخدامی بین مناطق مبدأ و مقصد را بسیاری از محققان (رانیس و فی^۶، ۱۹۶۱؛ ساستاد^۷، ۱۹۶۲؛ تودارو^۸،

-
1. Lin and Yee
 2. Lass
 3. Essli
 4. Stock of investment
 5. Social Commitment
 6. Ranis and Fei
 7. Sjaastad
 8. Todaro

۱۹۶۹؛ هاریس^۱ و تودارو، ۱۹۷۰؛ تودارو و ماریسکو^۲، ۱۹۸۷) مطرح ساخته‌اند. وجود عوامل متنوع دافعه مانند بیکاری، کم‌کاری (آسایش، ۱۳۶۴)، تفاوت درآمد مورد انتظار (بشیری، ۱۳۸۲؛ رضائی، ۱۳۸۸)، فقر، فشار زندگی، خشکسالی‌های پی‌درپی، وضعیت اقلیمی ناپایدار، ناپایداری کشاورزی، عامل زمین (قاسمی، ۱۳۷۲؛ بیگ‌محمدی و حاتمی، ۱۳۸۹؛ مرکز پژوهش‌ها، سنجش و اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۹۰) و عوامل جاذبه‌ای مانند اشتغال کاذب و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی (وزارت اقتصاد و امور دارایی، ۱۳۷۵)، فراهم‌بودن شرایط شغلی و کار بهتر برای زنان (محمودیان و همکاران، ۱۳۸۸) از آن جمله‌اند. علاوه بر عامل‌های سنتی جاذبه و دافعه، باید به عوامل دیگر مؤثر در مهاجرت‌ها و رضایتمندی مهاجران، مانند سرمایه اجتماعی و ابعاد آن نظیر هنجارها، شبکه‌های رسمی و غیررسمی، اعتماد، آگاهی و همچنین عوامل فرهنگی توجه کرد.

مفهوم شبکه اجتماعی، برای تبیین پدیده‌های متعددی از جمله مهاجرت‌های زنجیره‌ای (مسی، ۱۹۹۰)، کارآفرینی^۳ قومی (لایت^۴ و همکاران، ۱۹۹۳؛ پورتس^۵، ۱۹۸۷) و انباشتگی و بقای قومی (ریتز، ۱۹۸۰) به‌کار می‌رود. مطالعات کمی دیگری (مانند مسی و اسپینوزا، ۱۹۹۷؛ کوران و ریورو- فوئنتز^۶، ۲۰۰۳)، اهمیت شبکه‌های اجتماعی را به‌عنوان سازوکار تسهیل‌کننده و ایجادکننده رضایتمندی مهاجران نشان می‌دهند.

مطالعات بانرجی (۱۹۸۳)، بوکر (۱۹۹۴)، بوید (۱۹۸۹)، ویلبرت (۱۹۹۲) و سلف و همکاران (۱۹۹۹) نشان می‌دهد شبکه‌های اجتماعی، اغلب عاملی مهم و تعیین‌کننده در طرح‌های مهاجرت و انتخاب مقصد به‌شمار می‌روند. مطالعات پیشین درباره مهاجران روستایی فیلیپینی و اندونزیایی به شهرهای مانیل و جاکارتا نشان می‌دهد هنگامی که مهاجران به محل جدید وارد می‌شوند، حمایت‌های مورد نیازشان (در اسکان، اشتغال و حمایت‌های دیگر) را از خویشاوندان دریافت می‌کنند (لویز و هولنشتاین، ۱۹۷۶؛ تمپل، ۱۹۷۴). پژوهش‌های دیگر، نقش سازگاری فرهنگی (مقدس و امیری، ۲۰۰۶؛ اوتمن و همکاران، ۲۰۰۵؛ ایمان و مرادی، ۱۳۸۷)، حمایت اجتماعی (لی و همکاران، ۲۰۰۴؛ تامپسون و همکاران، ۲۰۰۲؛ لهسائی‌زاده و مرادی، ۱۳۸۶)، جهت‌گیری‌های مذهبی (ایمان و مرادی، ۲۰۰۹)، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی

1. Haris
2. Maruszko
3. Entrepreneurship
4. Light
5. Portes
6. Curran and Rivero – Fuentes

(لهسایی زاده و مرادی، ۱۳۸۶) را در فرایند سلامت روانی مهاجران و همچنین رضایتمندی آن‌ها از مهاجرت مؤثر می‌دانند. همچنین نتایج بعضی از مطالعات (قاسمی اردبائی، ۱۳۸۵؛ مسی، ۱۹۸۷؛ مسی و اسپانا، ۱۹۸۷) نشان می‌دهد ارتباط با افرادی که مهاجرت را تجربه کرده‌اند، احتمال مهاجرت را افزایش می‌دهد. تاکاهاشی و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی، پس از کنترل متغیرهای مداخله‌گر» به این نتیجه رسیدند که عضویت در گروه‌ها، ارتباط معناداری با رضایت از زندگی دارد. به‌طور ویژه، عضویت در دو یا چند گروه، با رضایتمندی بالاتر در زندگی همراه است. درمقابل، دیگر ابعاد سرمایه اجتماعی مانند عضویت در انجمن‌ها و جنبه‌های شناختی سرمایه اجتماعی، در تجزیه و تحلیل رگرسیون چندمتغیره معنادار نیست (تاکاهاشی^۱ و همکاران، ۲۰۱۱: ۲۰۶). مطالعه‌ای دیگر با بررسی رابطه پیوندهای اجتماعی و قصد مهاجرت در میان سالمندان شهری ویتنام با اثر واسطه‌ای رضایتمندی مسکونی نشان داد که چهار بعد پیوند اجتماعی (رابطه دوستی، انسجام اجتماعی و اعتماد، شبکه‌های غیررسمی و فعالیت‌های محله‌ای) با مهاجرت رابطه منفی دارند. در این مطالعه، سه بعد رابطه دوستی، انسجام اجتماعی و اعتماد و نیز فعالیت‌های محله‌ای، بر رضایتمندی مسکونی تأثیر مستقیم و بر مهاجرت تأثیر غیرمستقیم دارند. همچنین بین رضایت مسکونی و مهاجرت، رابطه منفی معنادار وجود دارد (جونگ و همکاران، ۲۰۰۳).

پژوهش‌های متعددی نقش عوامل فرهنگی در رضایتمندی از مهاجرت را نشان می‌دهند (وارد^۲، ۲۰۰۰؛ یورنکوسکی^۳، ۱۹۹۸؛ هارپام^۴، ۱۹۹۴). براساس این پژوهش‌ها، اگر افراد در فرایند فرهنگ‌پذیری موفق نشوند، دچار فشارهای روانی و استرس می‌شوند و این فشارها خود بر شیوه‌های زندگی مهاجران تأثیر می‌گذارد. در بسیاری از موارد، مهاجران با محیط‌هایی مواجه می‌شوند که از نظر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، با محیط زندگی قبلی آنان تفاوت بسیاری دارد؛ به‌طوری‌که مجبور به پذیرش تغییرات زیادی در رفتار، کردار و گفتار خود و ایجاد سازگاری می‌شوند (مرادی، ۱۳۸۵).

بررسی‌ها نشان می‌دهد بیشتر پژوهش‌های پیشین، بر متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و عوامل فرهنگی مؤثر بر رضایتمندی مهاجران متمرکزند و هیچ‌یک از پژوهش‌های داخلی به‌طور خاص

1. Takahashi
2. Ward
3. Yoroneski
4. Harpham

رابطه سرمایه اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی را با رضایتمندی مهاجران مطالعه کرده‌اند. پژوهش‌های خارجی نیز بیشتر رابطه سرمایه اجتماعی با فرایند مهاجرت را مطالعه کرده‌اند و کمتر به رضایتمندی از مهاجرت پرداخته‌اند. در این پژوهش، ارتباط ابعاد هفت‌گانه سرمایه اجتماعی با رضایتمندی از مهاجرت در شهرستان بهارستان بررسی می‌شود.

چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش، برگرفته از رهیافت شبکه اجتماعی^۱ است. مفهوم شبکه اجتماعی را نخستین بار رادکلیف براون در سال ۱۹۴۰ در انسان‌شناسی معرفی کرد. سپس آن را در اواسط دهه ۱۹۵۰ بوت و بارنز به‌کار گرفتند. سنت تحقیقاتی شامل انسان‌شناسی اجتماعی انگلیسی با تأکید بر داده‌های مردم‌نگاری اقوام و روستاییان، سنت کانادایی - آمریکایی با تأکید بر روابط بین‌الملل و جامعه‌شناسی آمریکایی با تأکید بر تحلیل کمی شبکه اجتماعی بین افراد و سازمان‌ها، در بسط و توسعه نظریه شبکه مؤثر بوده‌اند (فخرایی، ۱۳۷۴: ۱۴۰). براساس نظریه شبکه، به‌منظور پی‌بردن به ماهیت پدیده‌ها و کنش‌های اجتماعی، لازم است آن‌ها را در چارچوب وسیعی از روابط و مناسبات شبکه‌ای بررسی کنیم. در تشکیل شبکه اجتماعی، نه‌تنها تمام افرادی که جزء آن هستند، بلکه روابط اجتماعی آن‌ها با یکدیگر، نقش‌های وابسته به هم و تمایز خرده‌فرهنگ‌ها مؤثرند (لی و همکاران، ۱۹۸۹). چرخ جامعه به کمک شبکه روابط آن می‌چرخد و تغییر شکل جامعه نیز از همین فعالیت‌ها پدید می‌آید (مالک‌بن بنی، ۱۳۵۹: ۱۹). یکی از جنبه‌های شاخص نظریه شبکه، تأکید آن بر طیف گسترده‌ای از ساختارهای خرد و کلان است. به این معنا که از دیدگاه نظریه شبکه، کنشگران انسان‌اند، اما گروه‌ها و اصناف را نیز می‌توان کنشگر به‌شمار آورد (کلاوسن و همکاران، ۱۹۸۶؛ میزورچی و کونیک، ۱۹۸۶). پیوندهای اجتماعی، در سطح ساختاری - اجتماعی پهن‌دامنه و نیز سطوح تنگ‌دامنه‌تر عمل می‌کنند. مارک گرانووتر این پیوندهای سطح خرد را کنش‌هایی توصیف می‌کند که «در روابط شخصی روزانه و شبکه‌های حاکم بر این روابط، عجین شده‌اند» (۱۹۸۵: ۴۹۰).

مفهوم سرمایه اجتماعی در رویکرد تحلیل شبکه، بر منابع موجود در شبکه‌های اجتماعی تأکید دارد (گرانووتر، ۱۹۷۳؛ ولمن و ورسلی، ۱۹۹۰؛ برت، ۱۹۹۲). مطابق این نظر، سرمایه

اجتماعی عبارت است از سرمایه‌گذاری افراد در روابط اجتماعی تا از طریق آن به منابع انباشته در شبکه دست یابند و نتیجه مورد انتظارشان را به دست آورند (لین، ۲۰۰۰).

این نظریه، فرایند مهاجرت را به فرد، فرهنگ و پیوند اجتماعی آن‌ها نسبت می‌دهد. براساس آن، در نواحی مهاجرپذیر، این پیوند از طریق دوستی با سایر مهاجران به دست می‌آید و در نواحی مهاجرفرست، از طریق شبکه‌های شخصی مانند دوستان، همسایگان و خویشاوندانی که مهاجرت کرده‌اند، ایجاد می‌شود. وجود این شبکه‌ها، هزینه مهاجرت را برای تازه‌واردان کاهش می‌دهد (مرادی، ۱۳۸۵: ۲۸). طرفداران نظریه شبکه بر این باورند که وجود شبکه‌های اجتماعی، اعتماد بین افراد و هنجارهای همیاری متقابل را گسترش می‌دهد و برای مهاجران نوعی رضایتمندی به همراه می‌آورد. وجود این شبکه‌های اجتماعی در مقصد، به‌عنوان یک حائل در مقابل عامل فشارزای درونی، نقش مثبتی در جابه‌جایی و حرکت افراد دارد؛ به‌نحوی که با فراهم‌آوردن حمایت‌های اجتماعی در قالب سرمایه اجتماعی، تأثیر بسیار مهمی بر عزت‌نفس مهاجران، افزایش توان مقابله مهاجران با مشکلات زندگی و افسردگی و درنهایت، احساس سلامت روانی می‌گذارد (ایمان و مرادی، ۲۰۰۹: ۲۷).

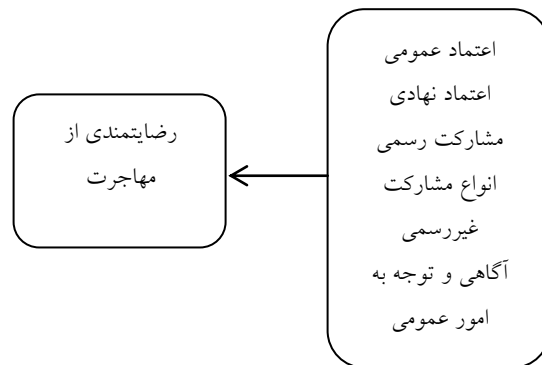
شبکه‌های اجتماعی، نوعی سرمایه اجتماعی را برای مهاجران فراهم می‌آورند؛ به این معنا که مهاجران، در این شبکه‌ها از حمایت، اعتماد و روابط عاطفی با دیگران برخوردار می‌شوند (کارولین^۱ و همکاران، ۲۰۰۰: ۱۰۸). دیدگاه شبکه، بر اهمیت روابط افقی و عمودی بین مردم، در قالب انجمن‌ها و گروه‌های اجتماعی تأکید دارد. سازوکار تأثیر نظام شبکه‌ای بدین‌صورت است که افراد تازه‌وارد به فرهنگ جدید، برای کسب اعتبار و حمایت اجتماعی، به خانواده، دوستان و آشنایان خود متوسل می‌شوند. سپس برای دسترسی به سرمایه اجتماعی وسیع‌تر، به منابع گروهی متوسل می‌شوند و از این طریق، شبکه‌ای را بین درون‌گروه و برون‌گروه ایجاد می‌کنند (اونق، ۱۳۸۴: ۲۸).

سرمایه اجتماعی، منبعی برای کنش جمعی تلقی می‌شود. این منبع، علاوه بر آگاهی و توجه به امور عمومی شامل هنجارهای اعتماد عمومی و اعتماد نهادی، هنجارها یا رفتارهای معامله متقابل (همیاری) است که در شبکه‌های اجتماعی عمل می‌کنند. نتایج سرمایه اجتماعی در داخل شبکه، شامل مجموعه‌ای از کنش جمعی در اشکال و اندازه‌های مختلف است؛ بنابراین، مجموعه

عناصر مفهومی سرمایه اجتماعی در این پژوهش، در بعد شناختی و ذهنی عبارت‌اند از اعتماد عمومی، اعتماد نهادی و آگاهی و توجه به امور عمومی و در بعد عینی عبارت‌اند از مشارکت رسمی، مشارکت غیررسمی خیریه‌ای، مشارکت غیررسمی همیارانه و مشارکت غیررسمی مذهبی که در مجموع، هفت عنصر مفهومی سرمایه اجتماعی به‌شمار می‌روند.

تایلور معتقد است شبکه‌های خویشاوندی و حمایت‌های اجتماعی، هزینه‌های مهاجرت را کاهش و شانس موفقیت و رضایتمندی در مهاجرت را افزایش می‌دهند. شبکه‌های اجتماعی بر دسترسی به سازمان‌ها، چه به‌صورت رسمی و چه به‌صورت غیررسمی اثر می‌گذارند (کاپیسکی^۱، ۱۹۹۴: ۷۰۵).

بنابراین، در این پژوهش با توجه به مباحث نظری می‌توان گفت در صورت وجود سرمایه اجتماعی، مهاجران در قالب هنجارها و پیوندهای اجتماعی - که در جریان تعاملات اجتماعی به وجود می‌آید - توانایی‌های خود را افزایش می‌دهند و در عین کسب امکان کنترل زندگی خود، از حمایت‌های اجتماعی که در شبکه‌های ارتباطی آن‌ها به‌وجود آمده است، برخوردار می‌شوند. به‌عبارت دیگر، وجود سرمایه اجتماعی بین مهاجران و افراد بومی را می‌توان به‌طور رسمی یا غیررسمی در فشارهای زندگی مانند از دست‌دادن شغل، جدایی از مبدأ و... با افزایش حمایت‌های اجتماعی کاهش داد و نوعی رضایتمندی از زندگی جدید و مهاجرت را برای آن‌ها به‌وجود آورد. نمودار ۱ روابط میان متغیرهای مستقل و متغیر وابسته را در قالب مدل نظری تحقیق نشان می‌دهد.



نمودار ۱. مدل مفهومی تحقیق

فرضیه‌های تحقیق

۱. بین اعتماد عمومی و رضایتمندی از مهاجرت، رابطه معنادار وجود دارد.
۲. بین اعتماد نهادی و رضایتمندی از مهاجرت، رابطه معنادار وجود دارد.
۳. بین مشارکت رسمی و رضایتمندی از مهاجرت، رابطه معنادار وجود دارد.
۴. بین مشارکت غیررسمی خیریه‌ای و رضایتمندی از مهاجرت، رابطه معنادار وجود دارد.
۵. بین مشارکت غیررسمی همیارانه و رضایتمندی از مهاجرت، رابطه معنادار وجود دارد.
۶. بین مشارکت غیررسمی مذهبی و رضایتمندی از مهاجرت، رابطه معنادار وجود دارد.
۷. بین آگاهی و توجه به امور عمومی و رضایتمندی از مهاجرت، رابطه معنادار وجود دارد.

روش تحقیق

این پژوهش پیمایشی است. پژوهش‌های پیمایشی کم‌هزینه‌تر از بررسی‌های کیفی هستند و انجام آن‌ها ساده‌تر است؛ علاوه‌براین، با این پژوهش‌ها می‌توان سریع‌تر به نتیجه رسید (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۱۸). هرگاه جامعه مورد نظر، بسیار وسیع باشد و دسترسی به تک‌تک افراد امکان‌پذیر نباشد یا لزومی نداشته باشد، مناسب‌ترین روش مطالعه، پیمایش است (لهسانی‌زاده، ۱۳۸۵: ۴۶). در این پژوهش جمع‌آوری اطلاعات، با استفاده از پرسشنامه و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS انجام گرفت. برای آن دسته از فرضیه‌های تفاوتی که تفاوت مقدار میانگین در یک یا چند گروه را مطرح می‌کنند، از آزمون مقایسه میانگین‌ها استفاده شد. همچنین در این بررسی، رگرسیون چندمتغیره نیز به کار رفت. هدف اصلی از کاربرد رگرسیون چندمتغیره آن است که ترکیب خطی متغیرهای مستقل را به‌گونه‌ای ایجاد کند که حداکثر همبستگی را متغیر وابسته نشان دهد. برای سنجش ارتباط دو متغیر سرمایه اجتماعی و رضایتمندی از مهاجرت نیز به‌طور مشخص از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. با توجه به هدف و ویژگی‌های پژوهش، جامعه آماری، شامل تمامی مهاجران ۱۸ سال به بالای ساکن در شهرستان بهارستان، از توابع استان تهران است که حداقل یک سال از مدت اقامتشان در این شهرستان گذشته باشد؛ چراکه براساس تعریف سازمان ملل، مهاجر به کسی اطلاق می‌شود که حداقل یک سال از سکونت او در مقصد گذشته باشد. مطابق با آخرین اطلاعات آماری، جمعیت شهرستان بهارستان در سرشماری سال ۱۳۹۰، معادل ۵۲۳،۶۳۶ نفر است که از این تعداد ۷۲،۰۳۹ نفر از آن‌ها مهاجرند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۲۵ نفر تعیین شد. روش نمونه‌گیری، تصادفی سیستماتیک است.

در پژوهش حاضر از اعتبار ملاک^۱ و اعتبار صوری و برای سنجش روایی آن از آلفای کرونباخ استفاده شد. درواقع، تحلیل روایی، پاسخگوی این پرسش است که آیا مقیاس‌های مربوط به سنجش این متغیرها، ثبات و پایداری کافی دارد. معمولاً در مطالعات، اگر ضریب آلفای کرونباخ از ۰/۷ بیشتر باشد، اعتبار نسبی گویه‌ها و بنابراین، مفهوم مورد نظر تصدیق می‌شود. درواقع، مقدار آلفای کرونباخ، نشانگر انسجام درونی و همسازی داخلی گویه‌هاست. جدول ۱ نتایج تحلیل روایی متغیرهای وابسته و مستقل را نشان می‌دهد.

جدول ۱. نتایج تحلیل روایی متغیرهای اصلی تحقیق

R	متغیر	تعداد پاسخگویان	تعداد گویه	ضریب روایی
۱	رضایتمندی از مهاجرت	۳۱۴	۱۰	۰/۹۲۳
۲	آگاهی و توجه	۳۲۵	۴	۰/۶۹۱
۳	اعتماد عمومی	۳۲۰	۵	۰/۸۳۳
۴	اعتماد نهادی	۳۱۶	۹	۰/۸۹۶
۵	مشارکت غیررسمی مذهبی	۳۲۳	۵	۰/۶۶۶
۶	مشارکت غیررسمی خیریه‌ای	۳۲۳	۶	۰/۶۹۳
۷	مشارکت غیررسمی همیارانه	۳۲۵	۴	۰/۶۵۹
۸	مشارکت رسمی	۳۰۶	۵	۰/۷۴۳

برای ارزیابی روایی سازه‌ای، ضمن استناد به مبانی نظری، از تحلیل عامل^۲ استفاده شد. نتایج تحلیل عامل، برای متغیر رضایتمندی از مهاجرت نشان می‌دهد تمامی گویه‌ها بر یک بار عاملی قرار گرفته‌اند. آزمون KMO در این ماتریس، برای رضایتمندی از مهاجرت ۰/۹۱۹ است و آزمون کرویت بارتلت در سطح حداقل ۹۹ درصد اطمینان این معناداری را نشان می‌دهد که خود دلیلی بر وجود روایی سازه‌ای پژوهش است. جدول ۲ نتایج تحلیل عامل رضایتمندی از مهاجرت را نشان می‌دهد.

جدول ۲. تحلیل عامل شاخص رضایتمندی از مهاجرت

بار عاملی	متغیرها
۱	
۵۱۶/۰	به‌نظرم بهتر است دوستان و اقوامم به اینجا مهاجرت کنند.
۶۳۶/۰	مایلم مدت طولانی در اینجا بمانم.
۵۳۶/۰	فعالاً در زندگی احساس راحتی و رضایت می‌کنم.
۵۶۲/۰	اگر زمان قبل از مهاجرت بود، دوباره مهاجرت می‌کردم.
۷۱۵/۰	از مهاجرت به این شهر رضایت کامل دارم.
۶۷۰/۰	از اینکه به اینجا مهاجرت کردم، پشیمانم.
۵۸۷/۰	به فکر بازگشت به منطقه خودمان هستم.
۵۵۷/۰	به فکر مهاجرت به شهر دیگری هستم.
۵۱۳/۰	رفتار هم‌ولایتی‌ها را مناسب‌تر از اهالی اینجا می‌دانم.
۶۲۴/۰	علاقه دارم به شهر یا روستای خودمان بازگردم.

رضایتمندی از مهاجرت

همچنین نتایج تحلیل عامل برای سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که تمام گویه‌ها در هفت عامل قرار دارند. آزمون KMO در این ماتریس برای سرمایه اجتماعی ۰/۸۱۳ است و آزمون کروییت بارتلت در سطح حداقل ۹۹ درصد، اطمینان معناداری را نشان می‌دهد. در جدول ۳ نتایج تحلیل عامل سرمایه اجتماعی مشاهده می‌شود.

جدول ۳. تحلیل عامل شاخص سرمایه اجتماعی

ابعاد سرمایه اجتماعی	متغیرها	عامل‌ها
		۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱
اعتماد عمومی	به‌طورکلی مردم چقدر قابل اعتمادند	۵۶۶/۰
	دوستان شما چقدر قابل اعتمادند	۸۶۲/۰
	اقوام و خویشاوندان چقدر قابل اعتمادند	۶۵۴/۰
	اعضای خانواده چقدر قابل اعتمادند	۸۶۶/۰
اعتماد نهادی	مدارس (آموزش و پرورش)	۷۱۷/۰
	بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها	۷۸۷/۰
	بانک‌های دولتی	۶۹۶/۰
	شهرداری‌ها	۵۶۷/۰

ادامه جدول ۳. تحلیل عامل شاخص سرمایه اجتماعی

ابعاد سرمایه اجتماعی	متغیرها	عامل‌ها						
		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
مشارکت رسمی	دادگاه‌ها (قضات)	۶۸۲/۰						
	پلیس راهنمایی و رانندگی	۸۰۶/۰						
	مخابرات	۸۱۰/۰						
	کلانتری‌ها	۸۲۱/۰						
	ثبته‌احوال	۵۸۱/۰						
	انجمن اولیا و مربیان	۷۴۱/۰						
	انجمن‌های ورزشی و تفریحی	۵۹۷/۰						
	انجمن علمی	۶۶۴/۰						
	سازمان‌های غیردولتی	۵۹۱/۰						
	شوراهای محلی	۶۸۲/۰						
مشارکت همیارانه	گوش‌دادن به مسائل و مشکلات دیگران	۷۹۹/۰						
	قرض‌دادن وسایل خانه به دیگران	۸۵۶/۰						
	مراقبت از خانه همسایه در زمان مسافرت او	۵۷۴/۰						
	رفتن به عیادت بیمار یا کمک به افراد نیازمند شرکت در مراسم روضه‌خوانی یا عزاداری مذهبی در مسجد	۷۳۰/۰						
مشارکت مذهبی	شرکت در مراسم ماه رمضان: دعا و احیا، نماز عید فطر	۶۲۰/۰						
	جلسات آموزش دینی و احکام	۵۵۳/۰						
	برپایی مراسم مذهبی، جشن یا عزاداری در منزل خود	۵۴۶/۰						
	کمک به مردم آسیب‌دیده	۸۱۷/۰						
مشارکت خیریه‌ای	کمک و پرداخت صدقه به افراد مستمند	۶۰۳/۰						
	کمک به سالمندان یا معلولان	۶۱۹/۰						
	جشن نیکوکاری	۷۱۳/۰						
	جشن عاطفه‌ها	۷۹۳/۰						
	طرح تکریم ایتم	۵۸۱/۰						
آگاهی	آگاهی از چگونگی تعیین رئیس قوه قضائیه	۷۶۷/۰						
	آگاهی از زمان انتخاب اعضای شورای شهر	۶۳۸/۰						
	آگاهی از مرجع رسیدگی به اختلافات مجلس و شورای نگهبان	۵۶۱/۰						
	آگاهی از نام وزیر بهداشت	۷۱۸/۰						

یافته‌های تحقیق

جدول ۴ توزیع نسبی افراد نمونه را برحسب سن، جنس، تحصیلات و وضعیت تأهل، مبدأ مهاجرت، انگیزه اصلی مهاجرت و وضعیت مسکن در مبدأ نشان می‌دهد.

جدول ۴. توزیع نسبی پاسخگویان برحسب بعضی از متغیرهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی

تعداد	درصد	متغیر	
۵۵	۱۷/۷	۱۸-۲۴	سن
۱۰۰	۳۲/۲	۲۵-۳۴	
۱۱۸	۳۷/۹	۳۵-۴۴	
۳۸	۱۲/۲	بالای ۴۵	جنس
۲۵۲	۷۷/۵	مرد	
۷۳	۲۲/۵	زن	
۱۴۰	۴۴	کمتر از دیپلم	تحصیلات
۶۸	۲۱/۴	دیپلم	
۲۳	۷/۲	کاردانی	
۸۰	۲۵/۲	کارشناسی	وضعیت تأهل
۷	۲/۲	کارشناسی ارشد و بالاتر	
۶۶	۲۰/۳	هرگز ازدواج نکرده	
۲۵۴	۷۸/۲	دارای همسر	مبدأ مهاجرت
۵	۱/۵	بدون همسر بر اثر طلاق	
۸۲	۲۵/۵	شهرستان‌های استان تهران	
۱۳۲	۴۱	شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی	انگیزه اصلی مهاجرت
۶	۱/۹	شهرستان‌های استان آذربایجان غربی	
۲۴	۷/۵	استان زنجان	
۱۰	۳/۱	استان گیلان	وضعیت مسکن در مبدأ
۸	۲/۵	استان مازندران	
۶۰	۱۸/۶	سایر استان‌ها	
۲۱	۶/۶	ادامه تحصیل	انگیزه اصلی مهاجرت
۶۰	۱۸/۹	پیدا کردن شغل	
۷۶	۲۳/۹	پیوستن به خویشاوندان	
۶۵	۲۰/۴	بهره‌مندی بیشتر از تسهیلات و امکانات رفاهی	انگیزه اصلی مهاجرت
۲۴	۷/۵	نقل و انتقالات شغلی	
۱۱	۳/۵	ازدواج و تبعیت از همسر	
۱۸	۵/۷	تبعیت از والدین	وضعیت مسکن در مبدأ
۴۳	۱۳/۵	استخدام در بهارستان	
۱۴۸	۴۵/۵	بلی	
۱۷۱	۵۲/۶	خیر	

همان‌طور که مشاهده می‌شود، ۱۷/۷ درصد از پاسخگویان بین ۱۸ تا ۲۴ سال، ۳۲/۲ درصد بین ۲۵ تا ۳۴، ۳۷/۹ درصد ۳۵ تا ۴۴ سال و ۱۲/۲ درصد بالای ۳۵ سال دارند. از نظر تحصیلی، ۴۴ درصد از پاسخگویان پایین‌تر از دیپلم، ۲۱/۴ درصد دیپلم، ۷/۲ درصد کاردانی، ۲۵/۲ درصد کارشناسی و ۲/۲ درصد کارشناسی ارشد و بالاتر هستند. ۷۷/۵ درصد از پاسخگویان مرد و ۲۲/۵ درصد آن‌ها زن هستند. دلیل عمده کمتر بودن تعداد زنان مهاجر در نمونه آماری این است که زنان در فرایند مهاجرت، بیشتر تابع شرایط و مقتضیات والدین و همسر خود هستند و کمتر اتفاق می‌افتد که زنان مجرد به تنهایی دیار خود را ترک کنند. ۲۰/۳ درصد از پاسخگویان مجرد، ۷۸/۲ درصد متأهل و ۱/۵ درصد آن‌ها مطلقه‌اند. ۴۱ درصد از مهاجران، از شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی به بهارستان مهاجرت کرده‌اند و می‌توان گفت زبان مشترک و لهجه ترکی، عامل مهم در جذب مهاجران به شهر بهارستان بوده است. از پاسخگویان درمورد انگیزه مهاجرت به شهر بهارستان سؤال شد تا مشخص شود چه درصدی از پاسخگویان، پیوستن به اعضای شبکه را به‌عنوان انگیزه مهاجرتشان ذکر می‌کنند. نتایج نشان داد که ۲۳/۹ درصد از پاسخگویان، برای پیوستن به خویشاوندانی که قبلاً مهاجرت کرده‌اند، به این شهر نقل مکان کرده‌اند. از نظر وضعیت مسکن، ۵۲/۶ درصد پاسخگویان مسکن مناسب ندارند. از کل پاسخگویان ۲۱۵ نفر (۶۶/۶ درصد) اظهار می‌کنند که یکی از اعضای خانواده و خویشاوندان نزدیک یا دور آنان در بهارستان زندگی می‌کند که پیش از آنان به بهارستان مهاجرت کرده است. این امر نشان می‌دهد بیشتر مهاجرت‌ها به این شهر به‌صورت خانوادگی و قومی صورت گرفته یا در حال انجام است.

میانگین نمره رضایتمندی از مهاجرت برای افراد مورد مطالعه، ۳۱/۶ است که این نمره در مقایسه در دامنه نمره (۱۰ تا ۵۰) متوسط است و رضایت نسبی مهاجران از مهاجرت را نشان می‌دهد. شاخص دیگر در این پژوهش، میانگین نمره سرمایه اجتماعی است که برای افراد مورد مطالعه ۵۲/۶۱ است. این نمره در دامنه نمره (۲۴ تا ۹۹) متوسط است و متوسط بودن میزان سرمایه اجتماعی مهاجران را نشان می‌دهد.

آزمون فرضیه‌ها با استفاده از دو تکنیک آماری ضریب همبستگی و مقایسه میانگین‌ها انجام گرفت. جدول ۵ نشان‌دهنده ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و رضایتمندی از مهاجرت است. نتایج نشان می‌دهد رابطه معناداری حداقل در سطح ۰/۹۵ بین رضایتمندی از

مهاجرت و متغیرهای مستقل جدول ۵ وجود دارد. درضمن، متغیرهای سن، مدت اقامت و آگاهی و توجه به امور عمومی معنادار نیستند.

جدول ۵. همبستگی بین متغیرهای مستقل و رضایتمندی از مهاجرت

معناداری	ضریب همبستگی	میانگین	همبستگی
۰/۰۰۰	۰/۵۳۸	۳/۹۶	اعتماد عمومی
۰/۰۰۰	۰/۵۵۶	۲/۹۲	اعتماد نهادی
۰/۰۰۰	۰/۲۲۱	۰/۷۱	مشارکت رسمی
۰/۰۰۰	۰/۵۷۴	۲/۷۰	مشارکت غیررسمی همیارانه
۰/۰۰۰	۰/۵۷۰	۳/۵۱	مشارکت غیررسمی خیریه‌ای
۰/۰۰۰	۰/۵۵۱	۱/۴۲	مشارکت غیررسمی مذهبی
۰/۰۰۰	۰/۶۶۶	۲/۶۳	سرمایه اجتماعی

در پژوهش حاضر، از آماره رگرسیون چندمتغیره به شیوه گام‌به‌گام استفاده شده است. در این روش، متغیرهای مختلف به ترتیب میزان اهمیتشان در تبیین متغیر وابسته، وارد معادله رگرسیونی شدند. متغیرهای اعتماد عمومی، اعتماد نهادی، مشارکت رسمی، مشارکت غیررسمی همیارانه، مشارکت غیررسمی خیریه‌ای، مشارکت غیررسمی مذهبی، به ترتیب میزان اهمیت در تبیین متغیر وابسته وارد مدل تحلیلی شدند. درنهایت، متغیرهای اعتماد عمومی، مشارکت غیررسمی خیریه‌ای، مشارکت غیررسمی همیارانه، اعتماد نهادی و مشارکت غیررسمی مذهبی در مدل باقی ماندند و سایر متغیرها از معادله کنار گذاشته شدند. شایان ذکر است که وارد نکردن متغیرهای خارج از معادله، لزوماً به معنای کم‌اهمیت بودن آنها نیست؛ بلکه ممکن است به دلیل وجود همبستگی بین متغیرهای خارج از معادله و متغیرهای درون معادله صورت گیرد؛ زیرا در روش مرحله‌به‌مرحله، هدف انتخاب بهترین متغیرها برای پیش‌بینی است. پنج متغیر باقی‌مانده در مدل، در مجموع، ۴۹۰/۰ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند ($R^2 = ۴۹۰/۰$).

جدول ۶. ضرایب رگرسیونی تأثیر متغیرهای مستقل بر رضایتمندی از مهاجرت

مرحله	متغیر	B	Beta	مقدار T	سطح معناداری	R ²
۱	اعتماد عمومی	۰/۵۶۰	۰/۲۲۴	۴/۰۵۷	۰/۰۰۰	۰/۳۰۴
۲	مشارکت غیررسمی خیریه‌ای	۱/۵۸۳	۰/۲۶۵	۵/۲۳۱	۰/۰۰۰	۰/۴۲۸
۳	مشارکت غیررسمی همیارانه	۸۰۰/۰	۱۰۱/۰	۱/۴۳۸	۰/۰۰۱	۰/۴۶۹
۴	اعتماد نهادی	۲۰۹/۰	۱۶۹/۰	۲/۸۹۹	۰/۰۰۴	۰/۴۸۲
۵	مشارکت غیررسمی مذهبی	۱/۶۸۲	۱۵۰/۰	۲/۲۴۲	۰/۰۲۶	۰/۴۹۰
		R ² ۴۹۰/۰	۶۸/۶۰۲ = نمرة F	سطح معناداری F = ۰/۰۰۰		
		R=۰/۷۰۴	=			

با توجه به آمار، حدود ۵۰ درصد از واریانس متغیر وابسته با متغیرهای ما تبیین نشده است. به‌طورکلی، ضریب تعیین نشان می‌دهد معادله رگرسیونی ما برای پیش‌بینی متغیر وابسته، قدرت پیش‌بینی بالایی دارد. در این میان، متغیر اعتماد عمومی (۰/۳۰۴) در مقایسه با دیگر متغیرهای مستقل درون مدل برای پیش‌بینی متغیر وابسته اهمیت دارد.

همچنین براساس ضرایب B، در مرحله اول به‌ازای یک نمره افزایش در نمره اعتماد عمومی، ۰/۵۶۰ نمره به رضایتمندی افراد از مهاجرت افزوده می‌شود. در مرحله دوم، به‌ازای یک نمره افزایش در مشارکت غیررسمی خیریه‌ای، رضایتمندی افراد از مهاجرت، ۱/۵۸۳ نمره افزایش می‌یابد. در مرحله سوم به‌ازای افزایش یک نمره به مشارکت غیررسمی همیارانه، ۸۰۰/۰ نمره رضایتمندی افراد افزوده می‌شود. در مرحله چهارم، به‌ازای افزایش یک واحد در نمره اعتماد نهادی، نمره رضایتمندی افراد به میزان ۰/۲۰۹ افزایش می‌یابد. در مرحله پنجم، با یک واحد افزایش در نمره مشارکت غیررسمی مذهبی، ۱/۶۸۲ به نمره رضایتمندی افراد افزوده می‌شود.

نتیجه‌گیری

ازجمله تحولات مهمی که در چند دهه اخیر در کشورمان شاهد آن بوده‌ایم، رشد سریع مهاجرت از مناطق روستایی و عشایری به شهرهای کوچک و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ است. این روند در کشورهای درحال توسعه و از جمله در کشور ما، ساخت جمعیتی

جوامع شهری و روستایی را دستخوش تغییرات اساسی کرده و سبب حرکت مداوم مردم به مراکز خدماتی و قطب‌های صنعتی شده است. اگرچه عوامل اقتصادی در مهاجرت‌ها اهمیت بسیار بالایی دارند، همیشه نمی‌توان مهاجرت را به آن‌ها تقلیل داد. در مواردی، مهاجرت‌ها برای دوری‌جستن از شرایط و اوضاع و احوال تهدیدکننده حیات انسانی صورت می‌گیرد و گاهی برای سکونت در نقاط خوش آب‌وهوا یا زندگی در میان خویشاوندان یا در فرهنگ خودی انجام می‌شود که ممکن است نه‌تنها انگیزه اقتصادی نداشته باشد، بلکه حتی در جهت عکس آن جریان یابد (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۲۸). رضایتمندی از مهاجرت به‌عنوان یک پدیده اجتماعی و روان‌شناسانه، نه‌تنها در کیفیت زندگی مهاجران نقش دارد، بلکه سبب انطباق بیشتر مهاجران با کل افراد جامعه می‌شود. این پژوهش، با هدف بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و رضایتمندی از مهاجرت انجام شد. براساس نتایج، انگیزه اصلی بیشتر افراد از مهاجرت، پیوستن به شبکه اقوام و خویشاوندانی است که پیش از خودشان به این شهر مهاجرت کرده‌اند. نتایج بعضی از پژوهش‌ها (قاسمی اردهائی، ۱۳۸۵؛ مسی، ۱۹۸۷؛ مسی و اسپانا، ۱۹۸۷) نیز مؤید این امر است که اگر شخصی با فردی که تجربه مهاجرت دارد در ارتباط باشد، احتمال مهاجرت وی بیشتر است. بیشتر مهاجرت‌ها از شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی است که یکسان‌بودن قومیت و زبان مبدأ و مقصد در این امر نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. همچنین بیشتر مهاجرت‌ها خانواده‌محورند و این واحد خانواده است که برای حفظ و بقای خود به این امر روی آورده است.

بین متغیرهای اعتماد عمومی، اعتماد نهادی، مشارکت رسمی، مشارکت غیررسمی همیارانه، مشارکت غیررسمی خیریه‌ای، مشارکت غیررسمی مذهبی و رضایتمندی از مهاجرت، در سطح حداقل ۹۵ درصد اطمینان رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. به‌عبارت دیگر، با افزایش میزان هریک از این شش متغیر، رضایتمندی از مهاجرت نیز افزایش می‌یابد. نتایج رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد که پنج متغیر اعتماد عمومی، مشارکت غیررسمی خیریه‌ای، مشارکت غیررسمی همیارانه، اعتماد نهادی و مشارکت غیررسمی مذهبی در مجموع ۴۹ درصد از متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

مطالعات پیشین، تأثیر وجود شبکه‌های اجتماعی در مقصد (جعفری‌نیا و بذرافکن، ۱۳۹۰؛ لویز و هولشتاینر، ۱۹۷۶؛ تمپل، ۱۹۷۴؛ بانرجی، ۱۹۸۳؛ بوکر، ۱۹۹۴؛ بوید، ۱۹۸۹؛ ویلبرت، ۱۹۹۲؛ سلف و همکاران، ۱۹۹۹)، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی (لهسائی‌زاده و مرادی،

۱۳۸۶)، ارتباط با اقوام و خویشاوندان (قاسمی اردهائی، ۱۳۸۵؛ جعفری نیا و بذرافکن، ۱۳۹۰؛ زاهد و خورشیدی، ۱۳۹۰؛ مسی، ۱۹۸۷؛ مسی و اسپانا، ۱۹۸۷) را بر پدیده مهاجرت و رضایتمندی از مهاجرت تأیید کردند. در این پژوهش، وضعیت رضایتمندی پاسخگویان از مهاجرت متوسط است. از میان ابعاد سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی و مشارکت غیررسمی خیریه‌ای، بیشترین تأثیر را بر رضایتمندی مهاجران داشتند.

براساس مباحث نظری و یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت در سال‌های اخیر، مهاجرت‌های داخلی به شدت افزایش یافته و زندگی افراد در این فرایند دگرگون شده است؛ به طوری که این تغییرات در نظام ارزشی و هنجاری آن‌ها به عنوان کنشگر اثرگذار بوده است. زندگی در این ساختار جدید، مستلزم گسترش روحیه اعتماد، مشارکت اجتماعی و عضویت در نهادها و شبکه‌های اجتماعی است. همچنین براساس یافته‌ها، هر اندازه افراد سرمایه اجتماعی بالاتری داشته باشند و این متغیر به عنوان مجموعه‌ای از ابعاد ارزشمند مانند اعتماد اجتماعی (اعتماد عمومی و اعتماد نهادی)، مشارکت رسمی، مشارکت غیررسمی (همیارانه، خیریه‌ای و مذهبی) و وجود شبکه‌های خویشاوندی در جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی وجود داشته باشد، رضایتمندی آن‌ها از زندگی در شرایط جدید افزایش می‌یابد.

با توجه به نکته‌ای که درباره معنادار بودن متغیرها در قالب اعداد و ارقام ذکر شد، ارائه حکم قطعی در مورد معنادار بودن متغیرها دشوار و به شناخت عمیق‌تر جامعه مورد مطالعه نیازمند است. شناخت عمیق‌تر و بهتر وضعیت رضایتمندی از مهاجرت در این شهرستان نیز نیازمند انجام مصاحبه‌های عمیق و مشاهده وضعیت افراد است. طراحی پرسشنامه و انجام مطالعات کمی، برای چنین مطالعاتی مناسب است، اما استفاده از روش‌های کیفی در کنار این روش‌ها، نتایجی بهتر و واقعی‌تر ارائه می‌دهد؛ بنابراین، انجام دادن پژوهشی به روش کیفی، برای دستیابی به نگرشی جامع‌تر ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

- ایمان، محمد تقی و منفرد، حسین (۱۳۸۵)، «بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر رضایتمندی سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، شماره

- ایمان، محمدتقی و مرادی، گلمراد و حسینی‌رودباری، سکینه (۱۳۸۷)، «بررسی تطبیقی سرمایه اجتماعی و سلامت روان دانشجویان غیر بومی دانشگاه‌های تهران و شیراز»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۳۰ و ۳۱: ۱۴۳-۱۷۰.
- باستانی، سوسن و ساعی مهر، منیره (۱۳۸۶)، «سرمایه اجتماعی و مهاجرت و استقرار در شهرهای بزرگ: مورد شهر تبریز»، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۱: ۱۳۶-۱۶۷.
- جعفرنیا، غلامرضا و بذرافشان، محمد (۱۳۹۰)، «بررسی نقش عوامل فرهنگی در رضایتمندی از مهاجرت»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۲: ۲۹-۵۶.
- جهانگیری، جهانگیر و مهدی معینی (۱۳۸۹)، «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و هویت ملی»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۱۶: ۳۷-۷۴.
- دواس، دی. ای (۱۳۸۹)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- ریتزر، جرج (۱۳۸۱)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- زاهد، سیدسعید و خورشیدی، فریبا (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی-جمعیتی مؤثر بر رضایتمندی مهاجرت به شهر نورآباد ممسنی»، فصلنامه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۲: ۴۷-۶۶.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰)، مهاجرت، تهران: انتشارات سمت.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۰)، نتایج تفصیلی استان تهران شهرستان بهارستان، تهران: مرکز آمار ایران.
- عظیمی، رضا (۱۳۳۶)، بررسی وضع روستای شهراب (توابع اردستان) در پانزده سال گذشته، پایان‌نامه کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- فخرایی، سیروس (۱۳۷۴)، «نظریه شبکه و رابطه آن با ساختارگرایی در جامعه‌شناسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۱۵۴، صص ۱۳۹-۱۵۴.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، «بنیادهای نظریه اجتماعی»، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی و مرادی، گلمراد (۱۳۸۶)، «بررسی سرمایه اجتماعی و سلامت روان»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۶: ۱۶۱-۱۸۰.
- مالک بن بنی (۱۳۵۹)، شبکه مهاجرت رضایتمندی سکونت در شیراز، پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه شیراز

- محمودیان، حسین و قاسمی‌اردهائی، علی (۱۳۹۱)، «شبکه‌های اجتماعی مهاجران و بازتولید فرهنگ مهاجرت در مناطق روستایی: مطالعه کیفی بر جریان‌های مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به استان تهران»، *فصلنامه توسعه روستایی*، شماره ۱: ۱۰۹-۱۲۸.
- ناطق‌پور، محمدجواد و فیروزآبادی، سیداحمد (۱۳۸۴)، «سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۴: ۵۹-۹۱.
- Banerjee, B. (1983), "Social Network in the Migration Process: Empirical Evidence on Chain Migration in India", *The Journal of Developing Areas*, No 17(2): 185-196.
- Bauer, T, G. S. Epstein, and I. N. Gang (2006), *The Influence of Stocks and Flows on Migrant*, Working Paper, Bar Ian University.
- Boyd, M. (1989), "Family and Personal Network in International Migration: Recent Development and New Agendas", *International Migration Review*, No 23(3):638-670.
- Buckler, A. (1994), "Chain Migration over Legally Closed Borders: Settled Immigrants as Bridgeheads and Gatekeepers", *The Netherlands Journal of Social Sciences*, No 30: 87-106.
- Coleman, J. (1988), "Social Capital in the Creation of Human Capital", *American Journal of Sociology*, No 94: 95-129.
- Espinosa, K., and D. Massey (1997), "Undocumented Migration and the Quantity and Quality of Social Capital", *Social Welt*, No12:141- 162.
- Fukuyama, F. (1999), "Social Capital and Civil Society", is Accessible at: **Theory, Research, and Policy**, Final vision submitted to the World Bank Research Observer.
- Granovetter, M., (1990), "the old and the New Economic Sociology: A history and an Agenda", is Accessible at: **Beyond the Marketplace**, R. Fried land and A.F. Robertson (eds), New York Aldine de Gruenter.
- Harpham, T., Grant, E., & Rodrigues, C. (2004), "Mental health and social capital in Cali, Colombia", *Social Science & Medicine*, No 58: 2267-227.
- IMAN, M.T. and Moradi, G. (2009), "The Socio-economic Factors Related to Migration Mental Health in Iran: Islam Abad as a Case Study", *Journal of Population*, No 1:21-46.
- Joong, H. H. (2003), "Social bonds and the migration intentions of elderly urban residents: The mediating effect of residential satisfaction", *Population Research and Policy Review*, No 22: 127-146.
- Lee, J. S. et al. (2004), "Social Support Buffering of Acceleration Stress: AN STUDY of Mental Health Symptoms Among Koran International Students", *International of intercultural Relation*, No 28: 39-58.
- Lin N. 2000, "Building a Network Theory of Social Capital", *Connections*, No 22(1):28-51.
- Lynch, j. & Kaplan, G. (1997), "Understanding How Inequality in the Distribution of Income Effect Health", *Journal of Health Psychology*, No 2: 101-120.
- Massey, D. (1990), " The Social and economic origins of immigration", *American Academy of Immigration*, No 510: 60-72.
- Massey, d. and F. Espana. (1987), "The Society Process of International Migration", *Science*, No 237:733-738.
- Moghadas, A. A. & Amiri, A. M(2006), *The proses of adjustment/acclturation of first and second generation of migrant: The case of nomad Qashghae Turks migrants in Shiraz, Iran*, European population conference Liverpool, UK, 21ST-24TH. June2006.
- Putnam, R. (1995), **Democracy in America at Century ends**. In A,Hadenius (Ed.), *Democracy Victory and Crisis*, New York, Cambridge University Press.
- Reitz, J., (1980), *The Survival of Ethnic Groups*, Toronto: McGraw.

- Salaff, W., E. Fong, and w. Siu-lun. (1999), **Using Social Network to Exit Hong Kong**, in Networks in the global Village. B. Wellman (ed). Boulder, **Colorado: Westview Press**.
- Takahashi, k. and et al. (2011), “Social Capital and life satisfaction: a cross-sectional study on persons with musculoskeletal impairments in Hanoi, Vietnam”, **BMC Public Health**, No 11:206- 229.
- Temple, G. P. (1974), **Migration to Jakarta: Empirical Search for a Theory**, Ph..Dissertation, Mediation: University of Wisconsin.
- Thompson, S. et al. (2002), “The Social and Cultural Context of the Mental Health of Filipinas in Queensland”, **Australian and New Zealand Journal of Psychology**, No 36: 108-125.
- Woolcock, M. (1998), “Social capital and economic development: Toward a theoretical synthesis and policy framework”, **Theory and Society**, No 27:151-208.